

نقش شعار در انقلاب اسلامی

شعار در هر مسلک و مرامی وسیله مناسبی است برای بیداری مردم و جذب آنان به شرکت در اجتماعات و بالاخره تبلور خواسته‌ها و آرزوهای...

انسان، پیوسته، معتقد به ارزشهایی است که به وی معنا می‌بخشد. از جمله این ارزشها شعار است. انسان، همگون با هر حرکت اجتماعی شعار ویژه‌ای دارد که عصاره نیازها، آرمانها و تعالی جونی اوست. در قدیم که جنگ تن به تن مرسوم بود، رزم آوران، هنگام ورود به میدان نبرد، جهت تقویت روحی خود و همزمانشان، رجز خوانی میکردند تا روحیه دشمن را به ضعف بکشانند، اما در اجتماعات مذهبی، از گذشته تاکنون، از وسایلی کمک گرفته میشده تا برگزاری مراسم به اطلاع مردم رسانده شود. مثلاً یهودیان با استفاده از بوق، مسیحیان با زدن ناقوس و زرتشتیان با روشن کردن آتش، مردم را به برگزاری عبادت و تشکیل اجتماع فرا می خوانده‌اند. بطور کلی، در هر مسلکی، شعاری وجود دارد و به ویژه در مکتب اسلام که شعار از مرتبت خاصی برخوردار است: «و من يعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب»

یکی از شعارهای مذهبی در اسلام، «اذان» است که در شبانه روز، سه نوبت با صدای بلند از مأذنه‌ها، در محیطهای اسلامی، طنین انداز میشود. تا علاوه بر تکریم و تعظیم پروردگار وقت نماز به اطلاع مردم رسانده شود.

شعار پیوندی ارگانیک و مستمر با مکتب دارد تا جایی که تبلور خواسته‌های مکتبی بشمار میرود. بهمین علت شعار در اسلام چند کلمه بی‌معنی و ظاهری نیست بلکه دژ اسلام، تعالیمی وجود دارد که رعایت و اجرای آن جنبه شعار دارد. «صفا و مروءه از شعار الهی است» (بقره - آیه ۱۷۸)

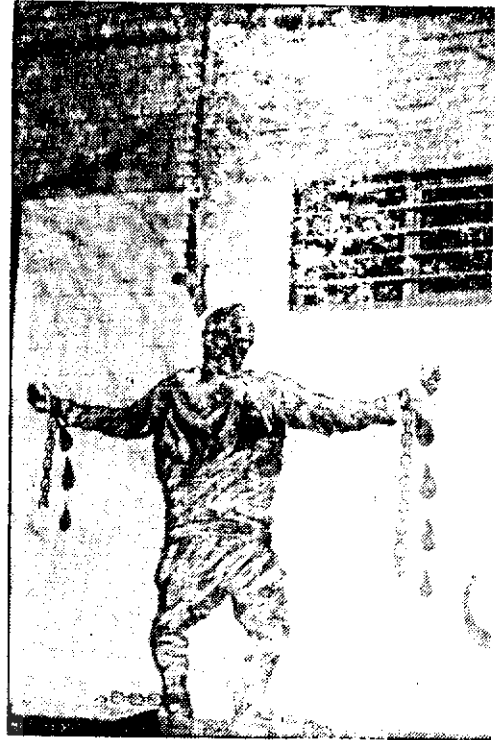
یا «مراسم قربانی و ذبح حیوانات در منی از شعار است.» (سوره حج - آیه ۲۶) خلاصه، هر کلام و نوشته و عملی که از متن مکتب بجوشد، یعنی مبتنی بر ارزشهای الهی باشد، شعار است. برخلاف سایر مکاتب که شعار مختص مسائل مادی و ظاهری است، مثلاً همانطور که همه شاهد بودیم گروهی فرصت طلب که نیست با تظاهرات محدود

خود، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در اطراف و داخل دانشگاه تهران و مکتبهای این چنین شعار می‌دادند «نان - مسکن - آزادی» که به هیچوجه با استقبال مردم همراه نبود و مردم در برابر آنها با صدای رسا شعار می‌دادند که: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بنا بر این مکتب در بخشیدن شکل و محتوی به شعار نقش اساسی دارد. عامترین شعاری که از صدر اسلام تا دوران انقلاب اسلامی متداول بوده و هست، شعار «الله اکبر» و «لا اله الا الله» است که عملاً محور تمامی شعارها بود. مردم هنگام تظاهرات، درگیرها و تشییع جنازه‌ها و... و حتی در پشت بامها شعارهای «الله اکبر» و «لا اله الا الله» سر می‌دادند.

* شعار پیوندی ارگانیک و مستمر با مکتب دارد تا جایی که تبلور خواسته‌های مکتبی بشمار میرود.

با توجه به این نکته که بحث کنونی ما درباره نقش شعار در دوران انقلاب اسلامی است، سخن گفتن در مورد شعار، به آن وسعتی که در اسلام مطرح است، خارج از مقوله حاضر است. کوتاه سخن، اینکه شعار در هر مسلک و مرامی، وسیله مناسبی است برای بیداری مردم و جذب آنان به شرکت در اجتماعات و بالاخره تبلور خواسته‌ها و آرزوهای... نقش و اهمیت شعار، در اسلامیاتی که تلبیه وسایل ارتباط جمعی در دست دشمن است، بیش از پیش ظاهر میگردد از جمله قبل از انقلاب اسلامی که مردم از هیچگونه امکانات تبلیغاتی (رادیو، تلویزیون، مطبوعات) برخوردار نبودند، شعار بعنوان سلاحی کوبنده و تیغی در جامعه مطرح بود. تا جایی که با طنین شعارهای توفنده در فضای خفقان طاغوت، بپیر کاغذی شاه هوا رفت و مردم برآت بیشتری پیدا کردند تا به نهضت اسلامی





پیوندند. این شعارها، اکثرا برخوردار از ارزشهای مکتبی بود: «الله اکبر»، «لا اله الا الله»، «نصر من الله وفتح قریب»، «هل من ناصر ینصرنی» و شعارهایی از این قبیل.

بعضی از شعارها، حکم ابلاغ پیام انقلاب به مردم را داشت تا جایی که شعار بین نیازها و خواسته‌های حال و آینده پل میزد. استقلال، آزادی (رابطه انسان و محیط)، جمهوری اسلامی (رابطه انسان و خدا).

شعارهای دوران انقلاب اسلامی، بسیار ساده و جذاب بود و پیوند شعارهای مختلف، نشان از اتحاد مردم در سرنوشتی ریم شاه و استقرار حکومت اسلامی داشت.

شعارها، دیکته‌ای نبود بلکه از متن مکتب و از قلب توده‌های دردمند، جوشیده بود. به مقتضای زمان و مکان، شعارهایی داده میشد و سپس بتدریج در طول تظاهرات شکل میگرفته. به هر صورت شعارها برای همه مردم قابل فهم بود و احتیاج به توضیح و تفسیر نداشت. ضمنا چنانچه شعارهای دوران انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که هر شعاری، در هر مقطعی بر اساس هدفی، ارائه شده است که تفصیل کامل آن، بی گمان نیاز به تدوین رساله‌ای جداگانه دارد. مع الوصف، بی مناسبت نخواهد بود که هدفهای عمده شما و نقش آنها را بطور مختص توضیح دهیم.

ارائه مکتب و نظام رهبری

گروهکهای سیاسی هنگام ارجحی انقلاب اسلامی به تکاپو افتادند، و با تظاهرات محدود خود در دانشگاه قصد تثبیت موقعیت خویش را داشتند و از طرف دیگر رژیم طاغوت برای خنثی کردن تظاهرات مردم بپاخواسته ما، به حربه‌ای زنگ زده، متوسل شد و چنین وانمود کرد که تظاهر کنندگان، گروهی کمونیست از خدا بی خبرند، اما از همان اوان انقلاب (۱۹ دی ۵۶)، مردم مبارز قم با تکیه به اسلام و نظام رهبری شعار می‌دادند «الله اکبر الله اکبر» «خمینی خمینی خدا نگهدار تو»، «می کشیم می کشیم، دشمن خونخوار تو»، «اسلام مکتب ماست، خمینی رهبر ماست» و.....

بتدریج مردم در طول تظاهرات و راهپیماییها با شعارهای مناسب به معرفی مکتب و ابعاد مختلف آن پرداختند. «انقلاب ما دینی، رهبر ما خمینی»، «ما میخواهیم تمامی، حکومت اسلامی»، «نهضت ما حسینیه رهبر ما خمینیه»، «این است شعار ملی خدا، قرآن، خمینی» «تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست»، «برابری، برادری، حکومت عدل علی» خلاصه بیشتر شعارها شبیه مثلثی بود که قاعده آن به مذهب و سیاست اختصاص داشت و رأس هرم هم به رهبر: «حزب فقط حزب الله» «رهبر فقط روح الله» «انقلابی ترین مرد جهان است، آیت الله خمینی»، «او فرستاده صاحب زمان است، آیت الله خمینی» و.....

معرفی دشمن اصلی مردم

تظاهر کنندگان همگام با ارائه مکتب و نظام

رهبری، دشمن اصلی مردم و نظام وابسته به آن را افشا میکردند:

| | |
|------|----------------|
| شاه | مرگ بر شاه |
| رژیم | بگو مرگ بر شاه |
| | مرده باد شاه |
| | شاه سگ زنجیری |
| | آمریکاست |

تا مرگ شاه خائن نهضت ادامه دارد حتی اگر شب و روز بر ما گلونه یارَد

مرگ بر این سلطنت پر فریب
امپریالیسم جنایتکار برای تثبیت شاه، دست به حيله تازه‌ای زد، تا با جایگزین کردن مهره‌ها، تب انقلابی مردم را فرو نشانند، غافل از آنکه مردم بیدار ما، در هر مقطعی با شعارهای کوبنده خود، مهره‌های رژیم را رد خواهند کرد. مثلا در باب تغییر کابینه روی کار آمدن بختیار و دار و دسته‌اش، شعار مردم در یک زمینه چنین بود:

نه شاه میخواهیم، نه شاپور لعنت به هر دو مزدور
ما می گیم شاه نمی خواهیم نخست وزیر عوض میشه
ما می گیم خر نمیخوایم پالون خر عوض میشه
ضمنا مردم، در طول تظاهرات و راهپیماییها از دشمنان خارجی هم غافل نبودند.

چین، شوروی، آمریکا دشمنان خلق ما

بعضی از شعارهای دوران انقلاب، حکم

ابلاغ پیام انقلاب به مردم را داشت تا

جایی که شعار بین نیازها و خواسته‌های

حال و آینده پل میزد.

خلع شعارهای مردم

بخشی از شعارهای مخالفین و موافقین رژیم به خلع شعارهای یکدیگر اختصاص پیدا کرد به ویژه بقایای رژیم طاغوت که با تظاهرات آن چنانی تحت عنوان «طرفداران قانون اساسی» چنین وانمود میکردند که ما ایرانی هستیم و مسلمان و بالاخره شاه سمبل وحدت است و اگر شاه در صحنه سیاست نباشد، چنین و چنان میشود! در راهپیماییها تظاهر کنندگان،

ایران و شمایل حضرت علی (ع) و عکس یکی از روحانیون را حمل میکردند و شعارهای فریبنده می‌دادند: «این است شعار ملت خدا قرآن، محمد»، «بختیار بختیار سنگرت را نگهدار»، «استقلال، آزادی قانون اساسی»، «ایران وطن ماست خاکش کفن ماست»، «هر کس به کسی نازد، ما هم به علی نازیم»

مردم هم بلافاصله دور آنها جمع شدند و به

بقیه در صفحه ۱۲۶

نقش شعار....

استهزاء طرفداران قانون اساسی پرداختند و با شعارهای کوبنده خود (ضمن ارائه خواسته‌های اصلی) به افشاکاری دست زدند: «قانون اسباب بازی یک ناهار یک صدمی» (اشاره به گروهی از طرفداران قانون اساسی که با دریافت صد تومان و صرف ناهار به تظاهرات پرداختن).

«قانون اساسی، هر دمبیل سیاسی»، «نه قانون اساسی، نه سازش سیاسی، تا مرگ شاه‌خان نهضت ادامه دارد»، «شاه دوستای بدبخت، ارباب شما گذاشت و در رفت»، «بختار بختیار تو کو بی اختیار»، «مرگ بر طرفداران قانون اساسی».

انعکاس اخبار و وقایع

همانطوری که قبلاً اشاره شد، تمام وسایل تبلیغاتی در اختیار رژیم طاغوت بود، بهمین علت هر توطئه‌ای که رژیم طاغوت بر علیه ملت انجام میداد، از طریق بلندگوهایش (رادیو، تلویزیون، مطبوعات) آنرا به مردم مسلمان مبارز نسبت میداد. اما مردم مسلمان، با شعارهای خود، پرده از روی جنایات رژیم بر می داشتند.

الف - خنثی کردن توطئه‌ها.

۱- در ۱۵ آبان شاه مخلوع در پیام رادیو و تلویزیونی خود به مردم گفت: «من پیام انقلاب شما را شنیدم و سعی می‌کنم که اشتباهات را جبران کنم. گروهی از مردم ساده لوح تصور کردند که شاه توبه کرده است. در حالیکه مردم متعهد مسلمان با شعارهای خود، این نقشه شیطانی شاه مخلوع را خنثی کردند.

«مهدی بیا، شاه مسلمان شده»

آب وضویش خون جوانان شده»

«مهدی بیا، شاه مسلمان شده»

روز و شب مسلمین، شام غریبان شده»

۲- ازهاری، رئیس کابینه نظامی، قبل از تاسوعا، ادعا کرده بود که آنها از اسباب افتاده

تظاهراتی صورت نمی‌گیرد و آنچه، گاه گاهی شنیده میشود صدای نوار است، مردم مسلمان با تظاهرات میلیونی خود در روز تاسوعا و عاشورا شعار دادند:

«ازها، ی بیچاره ای سگ چهار ستاره، بازم بازم بگو نواره نوار که پا نداره»

چشمای تو خماره بازم بگو نواره»

۳- رژیم طاغوت، فاجعه سینما رکس آبادان را به مردم مسلمان مبارز، نسبت داد ولی مردم در هنگام تظاهرات خود، مسبب اصلی فاجعه رکس را به عموم معرفی کردند «کتاب قرآن را، مسجد کرمان را، رکس آبادان را، شاه به آتش کشیده»

۲- اطلاع از اخبار و وقایع

- دانشگاه ۶۵ کشته داد.

«دانشگاه دانشگاه مزدور به خون کشیده»

«دانشجو دانشجو در خون خود طییده»

«تاسوعا قرار ما، عاشورا قیام ما»

«همافر زندانی آزاد باید گردد»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»

«مسلمان بیا خیز برادرت کشته شد»

تهییج احساسات و جذب هر چه بیشتر مردم

در دوران انقلاب اسلامی، از شعارهای تفرقه انگیز خیری نبود، بلکه شعارها در جهت وحدت و کوشش برای جذب هر چه بیشتر اقشار مختلف و حتی اقلیتهای مذهبی بود. خلاصه شعارها از قلب مردم می‌جوشید و به قلب مردم می‌نشست تا جانی که هر چه از زمان شروع تظاهرات، می‌گذشت مردم بیشتر به تظاهرات کنندگان ملحق می‌شدند. ضمناً در بعضی مواقع که حکومت نظامی شدت عمل بیشتری به خرج میداد، مردم برای جذب هر چه بیشتر خواهران و برادران خود به تظاهرات، شعار می‌دادند:

«کیست مرا یاری دهد لیبک، لیبک»

«ایران شده فلسطین مردم چرا نشستین؟»

«مسلمان بیا خیز همافرت کشته شد»

«مردم به ما ملحق شوید شهید راه حق شوید»

«مردان حق زندانند یا کشته در میدانند»

مختصری که از نظر تان گذشت نگاهی گذرا بود به نقش شعار در دوران انقلاب اسلامی و الا تحلیل دقیق شعارها مشنوی هفتاد من کاغذ شود از طرف دیگر در تحلیل شعارها باید به مناسبتهای هر شعار هم اشاره کرد، زیرا شعارها، تاریخ مبارزه است و هر شعاری متناسب با حرکتی بوده است انشاء الله که مورخین متعهد به خود آیند و با تحلیل دقیق وقایع انقلاب اسلامی، گوشه‌ای از جاننازیهای مردم مسلمان را منعکس نمایند. همچنین امیدواریم هنرشناسان هم، زحمتی به خود بدهند و روی آهنگهای شعارها بررسی کنند و برای مردم روشن نمایند که چرا آهنگهای هر شعاری به مقتضای زمان و مکان متغیر است و عرضه شعارها بر اساس آهنگهای مختلف مقطع، دنباله دار، حزن انگیز، ملال آور و...

چگونه است دهها مسئله دیگر و نیز مردم شناسان و جامعه شناسان بقول دکتر شریعتی، باز گشت به خویش کنند و سره را از ناسره جدا سازند و بالاخره غرب را به غرب گذارند و شرق را به شرق. همچون توده‌های میلیونی مسلمان از درون بجوشند و به دریای خلق پیوندند و به شعار شهدای ۲۲ بهمن «نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی» عینیت بخشند و با تحقیقات مردم شناسانه و جامعه شناسانه خود، نقش واقعی مردم را در انقلاب ترسیم نمایند و به مردم دنیا نشان دهند که تا چه حد تحلیلهای باصطلاح علمی آن چنانی در مورد انقلاب اسلامی ایران صادق است. اما حرفی و سخنی با تو ای برادر و خواهر متعهد:

شعارهای دوران انقلاب اسلامی را مرور کن و نیک بر احوال شهدای انقلاب اسلامی نظر نما، و بقول معروف کلاهد را پیش خودت قاضی کن و بین که تا چه اندازه در باروری و تداوم انقلاب اسلامی، در نابودی امپریالیسم و مزدوران داخلی آن و بالاخره در تحقق شعارها قدم برداشته‌ای و... «والعاقبه للمتقین»

نیمه شب بود...

را ندارد. یک چیز جالب دیگر، چند نفر از افراد گارد که شدت زخمی شده بودند به اینجا آوردند و وقتی ما میخواستیم به آنها آمپول بزیم میگفتند ما از آمپول می‌ترسیم... همکاری و وحدت مردم در آن روزها بسیار قابل توجه بود به محض اینکه افراد نیرویی به این جا میآمدند فوراً یونیفرمشان را در میآوردند و لباس بیمارستان را به آنها میدادیم تا بپوشند تا وقتی گاردیها میآیند آنها را نشانند و لباسهای آنان را نیز پنهان میکردیم در همان روزها

یکی از افراد گارد آمد و گفتند هرکس که از نیروی هوایی اینجا هست معرفی کنید، و یکی یکی اتاقها را گشت کرد حالیکه گاردی دنبال نیروی هوایی یونیفرم پوش میگشت، همه آنها روی بیمارستان بعنوان بیمار بستری بودند.» آخرین خاطره را ژیلاداروندی یکی دیگر از پرستاران بیمارستان چنین تعریف میکند: «چندین شبانه روز بود که کار میکردیم تا اینکه شنیدیم تیمسار بدره‌ای یکی از سران رژیم سابق را به بیمارستان آورده اند ۶ تا تیر به او زده بودند و وضع خیلی بدی داشت برادران نیروی هوایی او را به بیمارستان آورده بودند اما تیمسار بدره‌ای بعد از چند دقیقه مرد و ما او را در حالیکه لعنت میکردیم به زیرزمین بردیم و زیرسرش یک چارو گذاشتیم و به او گفتم «مبارک باشد جای خوبی آمدی... آنقدر نفرت کارکنان و انقلابیون از این مرد زیاد بود که هرکس برای دیدن او میآمد یک لعنت و یک لگد نثار او میکرد.